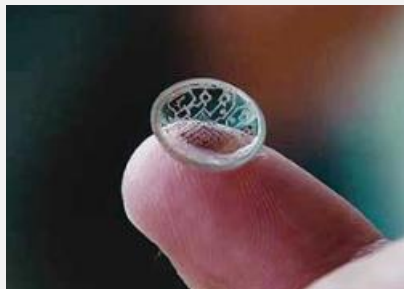


آیا آدم مصنوعی می‌شویم

گاهی پیش‌بینی غیرممکن می‌شود، اما این ایده که فناوری بزودی با حواس پنجگانه‌مان خواهد آمیخت، کم‌کم شکل و ساختاری پررنگ به‌خود می‌گیرد. گزارش اقلیت (نوشته فیلیپ ک. دیک) یکی از بهترین نمونه‌های این موضوع است.



جام جم آنلاین: گاهی پیش‌بینی غیرممکن می‌شود، اما این ایده که فناوری بزودی با حواس پنجگانه‌مان خواهد آمیخت، کم‌کم شکل و ساختاری پررنگ به‌خود می‌گیرد. گزارش اقلیت (نوشته فیلیپ ک. دیک) یکی از بهترین نمونه‌های این موضوع است. در حال حاضر عینک‌های گوگل یکی از نزدیک‌ترین محصولات این رویداد به حساب می‌آید.

فناوری‌هایی از این دست یا به‌اصطلاح فناوری‌های واقعیت افزوده، بزودی خود را در دهه جاری نشان خواهد داد؛ فناوری‌ای که می‌تواند درون چشم‌ها کاشته شود و نرم‌افزارهای مختلف آن بدون نیاز به سخت‌افزاری خاص، کارهای روزمره را انجام دهد.

همانند شیفت‌های عظیم دیگر در فناوری (همچون همه‌گیر شدن تلویزیون) این نوع زندگی نیز، سود و زیان خاص خودش را خواهد داشت.

امروزه کاربران زیادی که از اسمارت فون استفاده می‌کنند، از نبود تعامل کافی در دنیای واقعی شکایت دارند. واقعا نمی‌شود پنج دقیقه با فردی صحبت کرد، اما تلفن فرد مقابل یا خود شما به صدا درنیاید! حتی اگر تلفنی هم در کار نباشد، نیاز به پست مطلب در فیس‌بوک، توییتر، اینستاگرام یا حتی اس‌ام‌اس زدن به فرد دیگر در مورد موضوع احساس می‌شود.

فناوری‌های واقعیت افزوده پیوندی، می‌تواند این مشکل را حل کند؛ اما عیب دیگری به‌نام Externalization (تکیه به داده‌های صریح) دارد.

تکیه بر داده‌های صریح

سالخوردگان امروز نسل جوان‌تر را ناتوان‌تر از خود می‌بینند و همه نگران «کودکان امروز ما» هستند که قدر چیزهایی را که دارند، نمی‌دانند.

چیزی که مشخص است، مرجع یادگیری کودکان امروز، والدینشان نیستند، چرا که فناوری، باعث شده است جابه‌جایی‌هایی در منبع اطلاعات مورد نیاز کودک انجام شود.

در حال حاضر دائم به موضوع اتکای کودکان به داده‌های غیرممتنی و تاثیر چشمگیر آنها، پرداخته می‌شود. با وجود این روند دیگری وجود دارد که می‌تواند حتی برای کودکان نسل فناوری‌های چشمگیر نیز خطرناک باشد.

این رویه که زمان زیادی است آرام آرام در حال پیشرفت است، بتازگی به نقطه‌ای رسیده که می‌توان تاثیر آن را به چشم دید. در واقع، مشکل اینجاست که هیچ کس نمی‌تواند بر دانشی که کسب کرده است ارزش بگذارد.

این حقیقت که به‌طور مجازی تمام دانش جهان، تنها چند کلیک با ما فاصله دارد، واقعا خیره‌کننده است. این که چه کسی این دانش را شاخص می‌کند، چه کسی به آن خدمت و چه کسی اصلاحش می‌کند به ما مربوط نیست... این دانش آنجاست و همیشه همراه است.

این فرآیند از بزرگ‌ترین پیشرفت‌های تاریخ است و نمی‌توان تاثیرات آن را نادیده گرفت.

این عادت را در نظر بگیرید: نشسته‌اید و با دوست خود صحبت می‌کنید. یادتان نمی‌آید بازیگر نقش اول فیلم چه کسی بود، بدون این که ببینیدشید، گوشی را از جیب خود بیرون می‌کشید و اسم بازیگر را پیدا می‌کنید.

به‌همین سرعت مشکل حل می‌شود. یافتن این گونه اطلاعات کوچک و کم‌اهمیت از طریق وب باعث می‌شود برای موضوعات کم‌اهمیت خیلی به مغزمان فشار نیاوریم.

این مساله اگر همه‌گیر شود، یعنی به‌دنبال چیزهای بیشتر و در زمان‌های بیشتری باشیم، آسیب‌های خودش را در پی خواهد داشت.

به عنوان مثال، فناوری GPS یکی از همین موارد است: هر یکی دو ماه، خبری را می‌شنویم که راننده‌ای طبق راهنمایی GPS، اشتباهی به دریاچه افتاده یا فردی گمان می‌کرد اتوبان پیاده‌روست؛ چرا که سرش را از روی گوشی خود بلند نکرده بود. حتی بسیاری از مردم برای مسیرهایی که می‌شناسند هم از GPS استفاده می‌کنند.

اتکای به این ابزارها باعث می‌شود مثلاً نقشه‌ای فرضی از محل در ذهن نداشته باشیم و همواره به دستگاهی خارجی رجوع کنیم.

به‌طور خلاصه، هر چه بیشتر از دانش اینترنتی (و نه دانشی که در ذهنمان است) استفاده کنیم، حجم کمتری از دانش را در ذهن خواهیم داشت.

حالا فرض کنید سیستم‌های واقعیت افزوده، هر روز شیوه درست‌کردن صبحانه را به ما آموزش بدهند. ممکن است با قطعی این سیستم‌ها به‌طور کلی صبحانه درست‌کردن فراموشمان شود.

با اتصال این گونه فناوری‌ها به بدن، عدم اتکا به داده‌های بیرونی بسیار دشوار خواهد شد؛ زیرا که به‌جای فشار آوردن به ذهن برای یادآوری مسأله‌ای ساده، کافی است فرد مثلاً بالا و دکمه مربوط را نگاه کند. (جام جم - ضمیمه کلیک)

محمدرضا قربانی